

کتاب النکاح

کتاب نکاح (ازدواج)

وَأقسامه ثلاثة:

که مشتمل بر سه نوع است:

القسم الأول في النکاح الدائم

نوع اول: ازدواج دائم

والنظر فيه يستدعي فصولاً:

که بررسی آن نیازمند به چند فصل است:

الفصل الأول: في آداب العقد، والخلوة، ولواحقهما

فصل اول: آداب عقد و خلوت کردن، و متعلقات آنها

أما آداب العقد: فالنکاح مستحب لمن تاقت نفسه، من الرجال والنساء. ومن لم تتق مستحب أيضاً؛ لقوله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ الحجرات: 3، أي لتناكحوا.

اول: آداب عقد: ازدواج کردن برای مرد یا زنی که می‌تواند خودش را از گناه حفظ کند مستحب است؛ همچنین برای کسی که نمی‌تواند خودش را حفظ کند نیز مستحب است؛ به دلیل این سخن حق تعالی: (ای مردم، ما شما را از یک نر و ماده (مرد و زن) بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. خداوند دانای کاردان است)^(۱).

ولقوله (ع): (تناكحوا تناسلوا).

و این سخن معصوم (ع): (ازدواج کنید تا نسل داشته باشید).

ولقوله (ع): (شرار موتاكم العزاب).

و این سخن رسول خدا (ص): (بدترین مُردگان شما مجردها هستند).

ولقوله (ع): (ما استفاد امرؤ فائدة بعد الإسلام، أفضل من زوجة مسلمة، تسره إذا نظر إليها، وتطيعه إذا أمرها، وتحفظه إذا غاب عنها، في نفسها وماله).

و این سخن معصوم (ع): (برای یک مرد بعد از اسلام هیچ بهره‌ای بالاتر از این نیست که همسری مسلمان داشته باشد؛ همسری که از دیدنش شاد شود، هنگامی که فرمائش دهد، اطاعتش کند و در نبود شوهرش، خودش و مال شوهرش را حفظ کند).

ويستحب لمن أراد العقد: أن يتخير من النساء من تجمع صفات أربعاً: كرم الأصل، وكونها بكرًا، ولوداً، عفيفة. ولا يقتصر على الجمال ولا على الثروة فرمها.

مستحبات عقد: مردی که می‌خواهد ازدواج کند، مستحب است زنی را اختیار کند که این چهار صفت در او باشد: اصالت، بکارت، زاد و فرزندآوری و پاکدامن بودن؛ و تنها به زیبایی و ثروت اکتفا نکند، که چه بسا در این صورت- از هر دو باز بماند.

وصلاة ركعتين والدعاء بعدهما بمأثورة: (اللهم إني أريد أن أتزوج، فقدر لي من النساء أعفهن فرجاً، وأحفظهن لي في نفسها ومالي، وأوسعهن رزقاً، وأعظمن بركة)، أو غير ذلك من الدعاء. والإعلان (إذا أشهد)، والخطبة أمام العقد، وإيقاعه ليلاً.

به جا آوردن دو رکعت نماز، و بعد از آن خواندن این دعا- که سخن معصوم است- و یا هر دعای دیگری:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ، فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَنَ فَرَجاً، وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَمَالِي، وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً، وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَتَةً.

خدایا من می‌خواهم ازدواج کنم، پس از بین زن‌ها پاکدامن‌ترین آنها و کسی که نگهدارنده‌ترین آنها از خودش و مال من برای من باشد، و با وسعت‌ترین روزی و با برکت‌ترین همسر را برایم مقدر فرما.

و اعلان عمومی کردن⁽²⁾ ازدواج، مستحب است؛ البته اگر برای عقد شاهد گرفته باشند (در غیر این صورت این امر واجب می شود). و خطبه خواندن قبل از عقد در شب، عقد کردن

الثاني: في آداب الخلوّة بالمرأة، وهي قسمان:

دوم: در آداب خلوت کردن با همسر، که شامل دو قسمت است:

الأول: يستحب لمن أراد الدخول أن يصلي ركعتين ويدعو بعدهما، وإذا أمر المرأة بالانتقال إليه، أمرها أن تصلي أيضاً ركعتين وتدعو، وأن يكونا على طهر، وأن يضع يده على ناصيتها إذا دخلت عليه، ويقول: (اللهم على كتابك تزوجتها، وفي أمانتك أخذتها، وبكلماتك استحلت فرجها، فإن قضيت لي في رحمها شيئاً فأجعله مسلماً سوياً، ولا تجعله شرك شيطان)، وأن يكون الدخول ليلاً، وأن يسمي عند الجماع، ويسأل الله تعالى أن يرزقه ولداً ذكراً سوياً.

قسمت اول: مستحب است کسی که می خواهد نزدیکی کند، دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن دعا کند، و هنگامی که به همسرش گفت که نزدش بیاید، به او نیز امر کند دو رکعت نماز بخواند و دعا کند. مستحب است هر دو با طهارت باشند، و هنگامی که زن نزد او آمد دستش را روی پیشانی او قرار دهد و این دعا را بخواند: (اللهم على كتابك تزوجتها، وفي أمانتك أخذتها، وبكلماتك استحلت فرجها، فإن قضيت لي في رحمها شيئاً فأجعله مسلماً سوياً، ولا تجعله شرك شيطان) (خدایا! براساس کتاب تو با او ازدواج کردم و او را به عنوان امانت از تو گرفتم، و با کلمات تو فرج او را بر خود حلال کردم و اگر برای من در رحم او فرزندی مقدر فرمودی او را مسلمانی درست قرار بده و شیطان را در او شریک نکن).

مستحب است نزدیکی در شب انجام شود، با نام خدا شروع کند، و از خداوند متعال بخواند که فرزندی پسر و سالم روزیشان گرداند.

ويستحب: الوليمة عند الزفاف يوماً أو يومين، وأن يدعى لها المؤمنون، ولا تجب الإجابة بل تستحب، وإذا حضر فالأكل مستحب ولو كان صائماً ندباً. وأكل ما ينثر في الأعراس جائز، ولا يجوز أخذه إلا بإذن أربابه؛ نطقاً أو بشاهد الحال.

همچنین مستحب است: دادن ولیمه هنگام زفاف به مدت یک یا دو روز، و اینکه مؤمنان به آن دعوت شوند، و بر مؤمنان واجب نیست این دعوت را بپذیرند بلکه مستحب است. و اگر در مجلس حاضر شد مستحب است از غذا بخورد حتی اگر روزه مستحبی داشته باشد.

خوردن آنچه روی سر عروس و داماد ریخته می شود جایز است، ولی برداشتن آن جایز نیست مگر با اجازه صاحبش؛ که این رضایت یا با گفته او، و یا با قرینه ای آشکار می گردد.

2- مانند اینکه با ولیمه دادن، یا اطلاع رسانی از طرق دیگر به اطلاع مؤمنین برساند که او با چه کسی ازدواج کرده است. (مترجم)

الثاني: يكره الجماع في أوقات ثمانية: ليلة خسوف القمر، ويوم كسوف الشمس، وعند الزوال، وعند غروب الشمس حتى يذهب الشفق، وفي المحاق، وبعد طلوع الفجر إلى طلوع الشمس، وفي أول ليلة من كل شهر إلا في شهر رمضان، وفي ليلة النصف، وفي السفر إذا لم يكن معه ماء يغتسل به، وعند هبوب الريح السوداء والصفراء، والزلزلة، وعقيب الاحتلام قبل الغسل أو الوضوء. ولا بأس أن يجامع مرات من غير غسل يتخللها، ويكون غسله أخيراً. وأن يجامع وعنده من ينظر إليه، والنظر إلى فرج المرأة في حال الجماع وغيره، والجماع مستقبل القبلة أو مستدبرها، والكلام عند الجماع بغير ذكر الله.

قسمت دوم مکروهات:

در هشت زمان نزدیکی کراهت دارد:

- ۱- شب ماه گرفتگی، و روز خورشید گرفتگی.
 - ۲- هنگام ظهر، و هنگام غروب خورشید تا زمانی که سرخی مشرق از بین برود.
 - ۳- هنگام مُحاق (دو یا سه شب آخر ماه قمری که ماه دیده نمی‌شود).
 - ۴- بین طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع خورشید.
 - ۵- در شب اول ماه‌های قمری غیر از ماه رمضان، و شب نیمه ماه.
 - ۶- در سفر، اگر برای غسل کردن آب نداشته باشد.
 - ۷- هنگام وزش باد سیاه و زرد، و هنگام زلزله.
 - ۸- بعد از محتلم شدن و پیش از اینکه غسل کند یا وضو بگیرد.
- و اشکالی ندارد که چندین بار نزدیکی کند بدون اینکه در بین آنها غسل نماید، بلکه تنها در انتها یک غسل می‌کند.

و همچنین موارد زیر مکروه می‌باشند:

- نزدیکی کردن در مکانی که شخصی وجود داشته باشد که به او نگاه می‌کند.
- نگاه کردن به فرج زن در زمان نزدیکی و در سایر مواقع.
- رو به قبله یا پشت به قبله نزدیکی کردن.
- صحبت کردن هنگام نزدیکی به غیر از ذکر خداوند.

الثالث: في لواحقهما، وهي:

سوم: پیوسته‌های عقد و خلوت کردن

الأول: يجوز أن ينظر إلى وجه امرأة يريد نكاحها وإن لم يستأذنها. ويختص الجواز بوجهها وكفيها، وله أن يكرر النظر إليها، وأن ينظرها قائمة وماشية.

پیوست اول: نگاه کردن به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد جایز است - حتی اگر زن اجازه ندهد - و این جواز تنها برای نگاه کردن به صورت، دست‌ها و پاها تا می‌باشد، و می‌تواند نگاه کردن را در حالات مختلف (در حالی که ایستاده و یا در حال راه رفتن است) تکرار کند.

وكذا يجوز أن ينظر إلى أمة يريد شراءها وإلى شعرها ومحاسنها. ويجوز النظر إلى نساء أهل الكتاب وشعورهن، لكن لا يجوز ذلك لتلذذ ولا لريبة. ويجوز أن ينظر الرجل إلى مثله ما خلا عورته، شيخاً كان أو شاباً، حسناً أو قبيحاً، ما لم يكن النظر لريبة أو تلذذ، وكذا المرأة. وللرجل أن ينظر إلى جسد زوجته باطناً وظاهراً، وكذا المرأة.

همچنین جایز است به موها و نیکی‌های کنیزی که می‌خواهد بخرد نگاه کند. نگاه کردن به زنان اهل کتاب و موهایشان جایز است، ولی جایز نیست این نگاه کردن به قصد لذت بردن یا با ترس از قرار گرفتن در معرض گناه باشد.

همچنین نگاه کردن مرد به مرد به جز عورت او جایز است - جوان باشد یا پیر، زیبا باشد یا زشت - به شرطی که همراه لذت یا ترس از قرار گرفتن در گناه نباشد. نگاه کردن زن به زن نیز به همین صورت است. زن و شوهر می‌توانند به تمام اعضای یکدیگر (چه اعضای ظاهری و چه اعضای پوشیده) نگاه کنند.

ولا ينظر الرجل بقصد إلى الأجنبية أصلاً إلا لضرورة، ويجوز أن ينظر إلى وجهها وكفيها على كراهية فيه مرة، ولا يجوز معاودة النظر. وكذا الحكم في المرأة. ويجوز عند الضرورة، كما إذا أراد الشهادة عليها، ويقتصر الناظر منها على ما يضطر إلى الإطلاع عليه، كالطبيب إذا احتاجت المرأة إليه للعلاج. أما النظر الاتفاقي غير المقصود نتيجة تواجد رجال ونساء في مكان ما فلا إشكال فيه.

مرد نباید به هیچ وجه و با هیچ قصدی به بدن زن نامحرم نگاه کند، مگر در حالت ضرورت، و نگاه کردن به صورت و دست و پاها تا می‌چ در مرتبه اول جایز ولی مکروه و دوباره نگاه کردن حرام است. حکم نگاه کردن زن به مرد نامحرم نیز به همین صورت است.

نگاه کردن با وجود ضرورت جایز است، مانند هنگامی که می‌خواهد بر آن زن شهادت دهد، - که در این صورت نگاه کردن به او را فقط برای هرآنچه می‌خواهد از آن اطلاع حاصل کند کوتاه می‌کند، مانند پزشکی که زنی نیاز دارد تا او مداوایش نماید؛ اما نگاه اتفاقی بدون اراده و قصد و غرض - که نتیجه برخورد مردان و زنان در یک مکان نوعی است - اشکالی ندارد.

والكلام بين الرجل والمرأة جائز إلا إن كان فيه ريبة وخوف من الفتنة فيجب اجتنابه، قال تعالى: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ

أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿النور: 31﴾

صحبت کردن مرد و زن جایز است، مگر اینکه به قصد لذت و یا ترس از افتادن در گناه باشد، که در این صورت اجتناب از آن واجب است. حق تعالی می‌فرماید: (و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که هویدا است آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا پدر شوهرهای خود یا پسران خود یا پسران شوهر خود یا برادران خود یا پسران برادر خود، یا پسران خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به زن ندارند، یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینتی که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید)⁽³⁾.

ما يجوز أن تظهره المرأة أمام الأجنب هو الوجه والكفان والقدمان. وما يجوز أن تظهره المرأة أمام المحارم هي القلادة وما فوقها، وما تحتاج كشفه في الوضوء من اليدين، ومنتصف الساق وما دونه، وللزوج جسدها كله.

آنچه یک زن جایز است در برابر مردان نامحرم آشکار کند، صورت، و دست و پاها تا میچ است. زن در مقابل محارمش تنها می‌تواند موارد زیر را آشکار کند: گردن و بالاتر از آن، دست‌ها تا کمی بالاتر از آرنج (مقداری که هنگام وضو از دستانش آشکار می‌کند)، و پاها تا نصف ساق. زن می‌تواند برای همسرش همه بدنش را آشکار نماید.

الثاني: في مسائل تتعلق في هذا الباب، وهي خمسة:

پیوست دوم: مسائل پنج‌گانه‌ای که در این باب می‌باشد:

الأولى: يحرم وطء الزوجة في الدبر من غير رضاها، ويكره مع رضاها.

اول: نزدیکی کردن از عقب بدون رضایت زن- حرام، و در صورت رضایت او مکروه است.

الثانية: العزل عن الحرة إذا لم يشترط في العقد ولم تأذن محرّم، ويجب معه دية النطفة عشرة دنائير.

دوم: عزل (بیرون ریختن منی) از زن آزاد،⁽⁴⁾ اگر در عقد شرط نکرده باشند و زن اجازه ندهد حرام است، و در صورت انجام آن پرداخت دیه نطفه که ده دینار⁽⁵⁾ است بر شوهر واجب می شود.

الثالثة: لا يجوز للرجل أن يترك وطء امرأته أكثر من أربعة أشهر.

سوم: جایز نیست مرد بیش از چهار ماه نزدیکی با همسرش را ترک کند.

الرابعة: الدخول بالمرأة قبل أن تبلغ تسعاً محرّم. ولو دخل لم تحرم، لكن لو أفضاها حرمت ولم تخرج من حباله.

چهارم: نزدیکی با زن قبل از سن نه سالگی حرام است، و اگر نزدیکی کند آن زن بر او حرام نمی شود، مگر اینکه به سبب آن مجرای بول و غائط زن یکی شود⁽⁶⁾ ولی از عهده او خارج نمی گردد.⁽⁷⁾

الخامسة: يكره للمسافر أن يطرق أهله ليلاً (أي أن يواقع زوجته في السفر ليلاً).

پنجم: بر مسافر مکروه است که شب هنگام با همسرش نزدیکی کند.

4 - کنیز نباشد (مترجم).

5 - معادل یک مثقال طلای ۱۸ عیار (شرايع الاسلام عربي كتاب زکات ص ۱۰۲).

6 - که در این حالت بر او حرام ابدی می شود (مترجم).

7 - یعنی باید نفقه و مخارج او را بدهد (مترجم).